

نماز اول وقت از منظر قرآن کریم و پیام‌های تربیتی آن

سید رضا موسوی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۳

خداداد شمس‌الدینی**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۷

چکیده

نماز یکی از مهم‌ترین فرایض الهی است که اهتمام به آن و خواندن آن در اول وقت، سبب بهره‌گیری از برکات نماز و عامل صعود انسان به مراتب والا است. این مقاله سعی دارد تا با استفاده از آیات قرآن، مسأله نماز اول وقت را مورد کنکاش و تحلیل علمی قرار دهد. این تحقیق از لحاظ روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات از نوع تحقیقات تئوریک یا نظری و غیر تجربی می‌باشد، و از نظر ماهیت اطلاعات گردآوری‌شده، از نوع تحقیقات کیفی و غیر کمی است.

کلیدواژگان: نماز، نماز اول وقت، تفاسیر قرآن، قرآن، حدیث.

مقدمه

خداوند متعال فلسفه نماز را، ظهور یاد خدا در دل‌ها بیان کرده است: «نماز را به خاطر یاد من به پا دار» (طه/۱۱۴). و یاد خدا، برطرف کننده نگرانی‌ها و اضطراب‌ها است.

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

«بدانید و آگاه باشید که یاد خدا و ذکر او باعث آرامش دل‌هاست»

(رعد/۲۸).

نماز روح انضباط را در انسان تقویت می‌کند، چراکه دقیقاً باید در اوقات معینی اقامه شود، و تقدیم و تأخیر آن، هر دو موجب بطلان نماز است. این الزام دینی در برنامه روزمره، به زندگی انسان، نظم بخشیده و روح تقید به نظم را در انسان احیا می‌کند.

نماز واژه‌ای است که در متون اسلامی، با عنوان «صلاة» از آن یاد شده است. «صلاة»، به معنای «ارکان و جزئیات معینی» است که از طرف شارع مقدس در این معنا حقیقت پیدا کرده است و همه مسلمین موظفاند که آن را در شبانه روز پنج بار به جای آورند. «نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب بر پا دار» (اسراء/۷۸).

این تلقی از نماز یعنی اعمال مخصوصی که با تکبیرة الاحرام شروع و با سلام ختم می‌گردد، دارای ظاهر و باطنی است که در متون دینی به هر دو جهت آن اشاره شده است. تصویر ظاهری نماز، همان است که با اعمال مخصوص انجام می‌گیرد و حفظ آن نیز واجب است، اما روح و باطن نماز عبارت است از اخلاص، حضور قلب، ذکر خداوند و تعظیم در مقابل او، امید و دل‌بستگی به ذات ربوبی، اعتماد و ركون به وجود سرمدی و محو شدن در مقابل ذات یکتایی که در مقابل عظمت و جلالت او قیام نموده است (جن/۱۴).

هرگاه این قالب خاص و صورت ظاهری نماز با روح و باطن آن آمیخته و قرین گردد، نماز حقیقت خود را یافته و تأثیر خود را می‌گذارد، و در چنین صورتی است که این امر الهی، ستون دین (کلینی، ۱۳۶۲: ۷ / ۲۵)، معراج مؤمنین (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۲ / ۳۰۳)، روشن‌گر چهره مسلمین (پاینده، ۱۳۸۲، ح ۱۸۷۴)، مقرب پارسایان (همان، ح ۱۸۷۸)، مکمل اخلاص مخلصین، تیره کننده چهره شیاطین (همان، ح ۱۸۷۷)، و جداکننده مؤمنین از کافرین (همان، ح ۱۰۹۸) می‌گردد. رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «خداوند

متعال نظر نمی‌افکند به نمازی که آدمی دل خود را با بدن خود به نماز حاضر نکند» (نراقی، ۱۳۶۶: ۶۶۸)؛ پس حقیقت نماز اعم از صورت ظاهری و معنای باطنی است و تمسک به هر یک از این دو بدون دیگری نماز نیست. و اقامه نماز در وقت فضیلت، یکی از آداب مهم نماز است که به گواه روایات، نقش برجسته‌ای در قبولی نماز دارد. رسول خدا (ص) فرمود: آنان که نماز واجب خود را به تأخیر بیاندازند، و آن را پس از وقت فضیلت بخوانند، فردای قیامت شایستگی شفاعت را نخواهند داشت (سید بن طاووس، ۱۳۶۱، ۱۲۷)، یعنی تأخیر نماز، سبب محرومیت انسان از شفاعت اهل بیت (ع) و پیامبر اکرم (ص) در روز قیامت می‌شود.

هم‌چنین / امام جعفر صادق (ع) فرمود: «شفاعت ما اهل بیت (ع) به کسانی که نماز را سبک بشمارند نمی‌رسد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴ / ۲۴). / امام صادق (ع) فرمود: «برتری نماز اول وقت بر آخر وقت، مثل برتری آخرت بر دنیا است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۲ / ۳۵۹).

شهید مطهری در تبیین این حدیث شریف می‌نویسد:

«امام فرمود شفاعت ما به کسی که نماز را سبک می‌شمارد نمی‌رسد، یعنی علی‌رغم اینکه فرصت دارد و می‌تواند نماز را با آرامش بخواند، ولی نماز ظهر و عصر را تا نزدیک غروب آفتاب تأخیر می‌اندازد، نزدیک غروب که شد می‌رود وضویی می‌گیرد و بعد با عجله نمازی می‌خواند و فوراً مهرش را می‌گذارد آن طرف. نمازی که نه مقدمه دارد و نه مؤخره؛ این خفیف شمردن نماز است. تجربه نشان داده که بچه‌های این‌ها اصلاً نماز نمی‌خوانند. این جور نماز خواندن خیلی فرق دارد با آن نمازی که انسان به استقبالش می‌رود، اول ظهر که می‌شود با آرامش کامل می‌رود وضو می‌گیرد، بعد می‌آید در مصلاهی خود اذان و اقامه می‌گوید و با خیال راحت و فراغ خاطر، نماز می‌خواند و مدتی بعد از نماز با آرامش قلب تعقیب می‌خواند و ذکر خدا می‌گوید. شما اگر بخواهید واقعاً نماز خوان باشید و بچه‌های تان نماز خوان باشند نماز را محترم بشمارید» (مطهری، ۱۳۷۳:

این پژوهش در صدد است تا مسأله «نماز اول وقت از منظر قرآن کریم» را با بهره‌گیری از روایات تفسیری مورد بررسی قرار دهد.

سؤال و فرضیه تحقیق

سؤال: آیات قرآن کریم، در مورد اقامه نماز اول وقت، چه برداشت‌های فقهی و پیام‌های اخلاقی دارد؟
فرضیه: در قرآن کریم، اقامه نماز، به ویژه نماز اول وقت (نماد فردسازی)، دارای احکام فقهی و تربیتی و اخلاقی مهمی است.

پیشینه تحقیق

پیشینه این بحث به آیات قرآن و روایات پیشوایان معصوم (ع) باز می‌گردد و پژوهشگران اسلامی نیز با استفاده از متون اسلامی و تجربه ارزشمند عارفان واصل، این مسأله را مورد کنکاش قرار دادند و به نقش «اقامه نماز در وقت فضیلت» آن اشاره نمودند. بنابراین این تحقیق، آیاتی را که به مسأله نماز اول وقت اشاره دارند، با استفاده از روایات تفسیری و تفسیر مفسران، مورد تحلیل علمی قرار خواهد داد.
با بررسی چندین پایگاه جست‌وجو پایان‌نامه یا مقاله علمی پژوهشی (یا تخصصی) در مورد موضوع پژوهش یافت نشد، ولی بزرگان این مسأله را، در برخی از کتب روایی و اخلاقی و کتب تفسیری (روایات تفسیری)، مورد تحلیل قرار دادند. از باب نمونه مسأله نماز اول وقت، در کتاب‌هایی مانند «الکافی، ج ۳: ۲۷۴»، «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ۳۶»، «بحار الأنوار، ج ۶۸: ۲۱۶»، «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله: ۱۸۱»، و در «من لا یحضره الفقیه، ج ۱: ۲۱۷» آمده است.

مصادیق سبک شماری نماز

بی‌تردید بی‌اعتنایی و سبک شمردن نماز، دارای مصادیقی است که شناسایی آن‌ها می‌تواند ما را در پرهیز از استخفاف نماز یاری برساند. که در ذیل به برخی از موارد آن اشاره می‌گردد:

الف) عدم رعایت آداب نماز در خلوت: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «آن کس که در مقابل مردم با دقت نماز بخواند ولی در خلوت، بدون دقت نماز گزارد، به نماز بی‌اعتنایی کرده است» (نوری، بی تا: ۳/۲۶).

ب) فراهم نکردن مقدمات نماز قبل از اذان: کسی که وضوی نماز را تا وقت اذان به تأخیر اندازد او به نماز بی‌اعتنایی کرده است، چراکه هر کس به کاری اهمیت دهد، قبل از رسیدن وقت آن، مقدمات انجام آن را فراهم می‌کند.

امام خمینی (ره) در کتاب «چهل حدیث»، به نقل از امام صادق (ع) نقل می‌کند: در تورات نوشته شده است که خداوند می‌فرماید: «ای پسر آدم! فارغ شو از برای عبادت من، تا پر کنم قلب تو را از بی‌نیازی و واگذار نکنم تو را به سوی طلب خویش، و بر من است که ببندم راه فقر تو را و پر کنم دل تو را از خوف خویش» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۴۲۵).

و نیز می‌آورد: مقصود از فراغت وقت، آن است که انسان در هر شبانه‌روزی، وقتی را برای عبادت خود معین کند که در آن وقت خود را فقط برای عبادت موظف بداند، و برای خود اشتغال دیگری را در آن وقت قرار ندهد. انسان اگر بفهمد که عبادت یکی از امور مهمه‌ای است که از کارهای دیگر اهمیت‌اش بیش‌تر است، بلکه طرف نسبت با آن‌ها نیست، اوقات آن را حفظ می‌کند و برای آن وقتی موظف می‌کند. در هر حال، انسان متعبد باید اوقات نماز را که مهم‌ترین عبادت است، حفظ کند و آن‌ها را در اوقات فضیلت به جای آورد و در آن اوقات برای خود شغل دیگر قرار ندهد» (همان، ۴۲۶ و ۴۲۷).

ایشان، نماز خواندن در اول وقت را عاملی برای حضور قلب و تأخیر در نماز را موجب غضب الهی و سبک کننده نماز دانسته است.

فریده مصطفوی می‌گوید: «امام (ره) خیلی به نماز اهمیت می‌دادند و خیلی به آن سفارش می‌کردند. همیشه می‌گفتند: در مورد نمازتان اهمال نکنید. به ما می‌گفتند: همین که شما می‌گویید اول این کار را بکنم بعد نماز را بخوانم، این خلاف است» (ستوده، ۱۳۸۱، ۱/۱۱۸). سید احمد خمینی می‌آورد:

«روزی که شاه فرار کرد، ما در پاریس در نوفل لوشاتو بودیم. پلیس فرانسه

خیابان اصلی نوفل لوشاتو را بست و خبرنگاران کشورهای مختلف در آنجا

بودند. خبرنگاران خارجی از آفریقا، آسیا، اروپا، آمریکا و شاید ۱۵۰ دوربین فقط صحبت امام را مستقیم پخش می‌کردند تا خبر بزرگ‌ترین حادثه سال را مخابره کنند. شاه رفته بود و می‌خواستند ببینند امام چه تصمیمی دارد. امام بر روی صندلی ایستاده بود و در کنار خیابان، تمام دوربین‌ها بر روی امام متمرکز شده بود. امام چند دقیقه صحبت کردند، من در کنار امام ایستاده بودم، یک مرتبه برگشتند و گفتند: احمد! ظهر شده؟ گفتم: بله. بی‌درنگ امام گفتند: والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. شما ببینید! امام در چه لحظه‌ای صحبت‌های‌شان را قطع کردند؟ برای اینکه نمازشان را در «اول وقت» بخوانند؛ یعنی جایی که تلویزیون‌های سراسری که هر کدام میلیون‌ها بیننده دارد، B.B.C, C.N.N بود و تمام تلویزیون‌ها، چه در آمریکا و چه در اروپا بودند. خبرگزاری‌ها همه بودند، آسوشیتدپرس و... تمام خبرنگاران، روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون؛ در چنین موقعیت حساسی، امام حرف‌شان را قطع کردند و رفتند سراغ نماز(پاک نیا، ۱۳۸۶: ۳۸).

ج) عدم یادگیری معانی: آیا ندانستن معانی الفاظی که روزانه ده بار در نماز تکرار می‌شود به معنای بی‌اعتنایی به آن نیست؟! اگر ما برای طرف گفت‌وگوی خویش در نماز حرمت قائل باشیم، آیا در فکر این نخواهیم بود که محتوا و مضمون مذاکره و نجوای خود را بفهمیم و با درک صحیح در برابر او بایستیم؟! چگونه ممکن است با اقامت کوتاه در یک کشور، تا حدودی به زبان مردم آنجا آشنا می‌شویم و یا با یکی دو بار عبور از مسیری، نام و نشان آن را فرا می‌گیریم و در برخورد با هر بنایی، از اسم و بانی و مشخصات آن جويا می‌شویم، اما چرا هیچ‌کدام از این حساسیت‌ها در مورد نماز اعمال نشود؟! آیا این‌ها به معنای بی‌اعتنایی به نماز نیست؟! اینجاست که امام حسین(ع) به خداوند متعال عرض می‌کند: «خدایا آن کس که اعمال به ظاهر نیک او گناه است، پس چگونه گناهان او گناه نباشد؟!» (مجلسی، پیشین، ۹۵/۲۲۵).

د) عجله و شتاب در نماز: یکی از مصادیق سبک شماری نماز، سریع خواندن نماز و تبدیل این عبادت به عادت‌های هم‌چون عمل ماشین‌نویسی است، که بدون توجه به معانی و بدون رعایت خشوع و طمأنینه انجام بگیرد.

علمای روان‌شناسی می‌گویند: «یک کار همین قدر که برای انسان عادت شد، دو خاصیت متضاد در آن به وجود می‌آید. هرچه که بر عادت بودن‌اش افزوده شود و تمرین انسان زیادتر گردد، کار، سهل‌تر و ساده‌تر انجام می‌شود. یعنی از اینکه این عمل او یک عمل ارادی و از روی توجه باشد کاسته می‌شود و به عملی غیر ارادی نزدیک‌تر می‌گردد. اینکه در اسلام به مسأله نیت تا این اندازه توجه شده، برای جلوگیری از این است که عبادت‌ها آنچنان عادت نشود که به یک کار طبیعی و غیر ارادی و غیر فکری تبدیل شود.

این‌ها چیزهایی است که ما تنها در نماز به دست می‌آوریم و متوجه می‌شویم که بسیاری از برنامه‌های تربیتی به وسیله این عبادت و در پیکر این عبادت پیاده می‌شود، گذشته از اینکه خود این عمل، پرورش عشق و محبت به خدا و معنویت در انسان است، که روح عبادت است. مردی در حضور امیر المؤمنین (ع) نماز خود را با شتاب به جا می‌آورد. حضرت نگاهی به او کرده و فرمود: چند وقت است اینگونه نماز می‌خوانی؟ او گفت: مدت‌هاست. حضرت فرمود: «مَثَلُ تُو نَزْدَ خَدَاوَنْدِ مِثْلُ كَلَاغِيْ اَسْتِ (که منقار بر زمین می‌کوبد) اگر اینگونه بمیری بر غیر ملت و دین پیامبر اکرم (ص) مرده‌ای. سپس حضرت در مورد سهل‌انگاری و عدم رعایت آداب نماز فرمود: به درستی که دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد» (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۹۷).

ه) تأخیر نماز: امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ (ماعون/۵) می‌فرماید: مراد از بی‌اعتنایی به نماز، «تأخیر آن از اول وقت بدون عذر است» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۴/۴۵۴. ر.ک: قمی، ۱۳۶۷، ۲/۴۴۴؛ مجلسی، پیشین، ۱۸۰/۶؛ حر عاملی، پیشین، ۴/۱۲۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۰/۳۶۸؛ مدرسی، ۱۳۷۷، ۱۸/۳۵۶). البته روشن است که مراد از عذر، ضرورتی است که به صورت اورژانسی پیش آید و قابل تأخیر نباشد، و الا باید به کار گفت نماز دارم، نه به نماز بگویم کار دارم.

یکی از نزدیکان امام(ره) می گوید: امام خمینی در یکی از روزهای آخر عمر خود می خواست بخوابد، به من گفت: اگر خوابیدم، اول وقت نماز بیدارم کن. گفتم: چشم. اول وقت نماز شد و امام خوابیده بود و حیفاً آمد که او را صدا بزنم؛ زیرا عمل جراحی کرده و سِرْم به دست او بود. گفتم ایشان را صدا نمی زنم. چند دقیقه ای از اذان گذشت که امام چشم های خود را باز کرد و گفت: وقت نماز شده است؟ گفتم: بله. فرمود: چرا صدایم نزدی؟ گفتم: ده دقیقه پیش تر نگذشته است. فرمود: مگر به شما نگفتم (مرا صدا بزنید). سپس فرزندش را صدا زد که: احمد! بیا؛ و فرمود: ناراحتام، از اول عمرم تا به حال نماز را اول وقت خوانده ام، چرا الآن که پایم لب گور است، ده دقیقه به تأخیر افتاد (اکبری، ۱۳۷۸: ۴۷ و ۴۸).

بنابراین، فرق نماز گزارانی که در نماز هیچ دردی را جز درد فراق دوست احساس نمی کنند، و غرق در لذت با معشوقند و علی رغم هر گونه تهدید و شکنجه و محدودیت-ها، نماز را برپا می دارند، با کسانی که نماز را بار و رنجی می دانند که در عبور از آن باید شتاب کرد. و در هنگام اقامه ی آن با دست بازی می کنند و خمیازه می کشند، تنها در اهتمام و استخفاف به نماز است.

اقامه نماز در وقت فضیلت، از منظر قرآن کریم

در اینجا به برخی از آیات قرآن کریم، که به گواه روایات تفسیری، آن ها را بر نماز اول وقت تطبیق داده اند، اشاره می گردد:

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۗ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ (نساء/۱۰۳)

«و چون نماز را به جای آوردید، خدا را در همه حال، ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده، یاد کنید. پس چون آسوده خاطر شدید، نماز را، به طور کامل به پا دارید، زیرا نماز بر مؤمنان، در اوقات معین مقرر شده است.»

شیخ طوسی به نقل از جبایی و طبری می آورد واژه «موقوف»، از ماده «وقت» است، و معنای آیه چنین است: مسلمانان حتی در میدان جنگ نیز، باید این وظیفه

اسلامی (نماز) را اقامه کنند، چراکه نماز، اوقات معینی دارد که نمی‌توان از آن تخلف کرد (طوسی، بی تا، ۳/۳۱۳).

طبرسی در تفسیر این آیه بعد از نقل دو نظریه: یک: نماز بر مؤمنان واجب و مفروض است (نظریه ابن عباس و عطیه عوفی و سدی و مجاهد)؛ و از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نیز چنین روایت شده است. دو: بر مؤمنان فرض است که نماز را در اوقات معین به جای آورند (نظریه ابن مسعود و قتاده)؛ در پایان می‌نویسد: این دو دیدگاه به هم نزدیک‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳/۱۵۹).

استاد مکارم شیرازی معتقد است: معنای نماز خواندن در اوقات معین، این نیست که در سایر حالات، انسان از خدا غافل بماند، بلکه نماز دستوری انضباطی است که روح توجه به پروردگار را در انسان زنده می‌کند و می‌تواند در فواصل نمازها، خدا را به خاطر داشته باشد؛ خواه در میدان جنگ باشد و خواه در غیر میدان جنگ؛ و در پاسخ به این سؤال که «چه لزومی دارد نماز در اوقات معین خوانده شود و آیا بهتر نیست که مردم را در انجام این وظیفه آزاد گذارد؟» می‌نویسد: تجربه نشان داده که اگر مسائل تربیتی تحت انضباط و شرائط معین قرار نگیرد، عده‌ای آن را به دست فراموشی می‌سپارند، و اساس آن به کلی متزلزل می‌گردد، از این رو، اینگونه مسائل حتماً باید در اوقات معین و تحت انضباط دقیق قرار گیرد، تا هیچ‌کس عذر و بهانه‌ای برای ترک کردن آن نداشته باشد، به ویژه اگر این عبادات در وقت معین مخصوصاً به صورت دسته جمعی گزارده شود، که دارای شکوه و تأثیر و عظمت خاصی است که قابل انکار نیست و در حقیقت کلاس بزرگ انسان سازی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴/۱۰۴ - ۱۰۶).

﴿قَوْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ (ماعون/۴ و ۵)

«پس وای به حال نمازگزاران. آنان که از نمازشان غافل و به آن بی‌اعتنای‌اند».

جوهری گوید: «وَيْلٌ، کلمه عذاب است» (قرشی، ۱۳۷۱، ۷/۲۵۷). طبرسی می‌آورد: «وَيْلٌ، لفظی است که هر کس در مهلکه واقع شود این واژه را به کار می‌برد و اصل آن، عذاب و هلاک است» (طبرسی، پیشین، ۱/۲۹۱، مکارم شیرازی، پیشین، ۲۲/۴۰۲).

راغب از /صمعی نقل می‌کند که: «ویل، به معنی قبح است و گاهی در تحسّر و تأسف به کار می‌رود، ولی «ویح»، در ترخّم استعمال می‌شود» و اینکه عده‌ای «ویل» را به معنای «دره‌ای در جهنم» معنا کرده‌اند، معنای لغوی این کلمه نیست، بلکه تعیین مصداق است، بدین معنا که خداوند اراده کرده است که این شخص (غافل از نماز)، مستحق جایگاهی از آتش باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۸۸).

در معنای لغوی «سهو» آمده است: «سهو خطائی است که از غفلت ناشی می‌شود» (همان: ۴۳۱). و یکی از مصادیق این آیه کسانی هستند که نماز را از وقت فضیلت آن تأخیر می‌اندازند.

«باید توجه داشت که نمی‌فرماید: «در نماز شان سهو می‌کنند» بلکه می‌فرماید: «از اصل نماز سهو می‌کنند»، و آن کسی است که پیوسته نمازش را به دست فراموشی می‌سپارد، و برای آن اهمیتی قائل نیست، و یا اصلاً به آن ایمان ندارد، و اگر گاهی نماز می‌خواند از ترس مردم و مانند آن است» (مکارم شیرازی، پیشین، ۲۷ / ۳۶۰؛ طبرسی، پیشین، ۱۰ / ۸۳۴؛ زرکشی، ۱۴۱۱، ۱ / ۳۹۸).

امام علی (ع) فرمود: «هیچ عملی نزد خداوند محبوب‌تر از نماز نیست، پس مبدا هیچ کاری از کارهای دنیا شما را از نماز اول وقت باز بدارد، برای اینکه خدای عز و جل اقوامی را به خاطر این عمل مذمت نموده و فرمود: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ یعنی کسانی که از روی غفلت، نسبت به نماز و اوقات آن سهل‌انگاری می‌کنند» (صدوق، ۱۳۶۲، ۲ / ۶۲۱؛ طباطبایی، پیشین، ۲۰ / ۳۶۸؛ مدرسی، پیشین، ۱۸ / ۳۵۶؛ عروسی حویزی، پیشین، ۴ / ۴۵۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۷ / ۶۲).

آیت‌الله جوادی آملی می‌آورد: در آیات و روایات سخن از اقامه نماز است، نه خواندن آن، و اقامه نماز، به معنای حضور قلب و ادای آن در اول وقت است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲۲۳).

یونس بن عمار می‌گوید: از حضرت صادق (ع) از معنای قول خداوند ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ سؤال کردم که آیا مراد وسوسه شیطان است که انسان را گرفتار سهو می‌کند؟ حضرت فرمود: خیر، هر انسانی، گرفتار سهو در نماز می‌شود. مراد این است که

نماز می‌خوانند، ولی آن را در وقت فضیلت به جا نمی‌آورند (طبرسی، پیشین، ۱۰ / ۸۴۳؛ عروسی حویزی، پیشین، ۵ / ۶۷۸).

﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ (بقره/۲۳۸)

«بر همه نمازها و (به ویژه) نماز میانه محافظت نمایید و (در نماز و در هر امری) برای خدا خاضعانه به پا خیزید».

«حفظ هر چیز»، به معنای ضبط آن است، ولی بیش‌تر در مورد حفظ معانی در نفس استعمال می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲ / ۳۹۰). «المیزان»، در تفسیر «صلات وسطی» می‌نویسد: روایات بسیاری از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) وارد شده است که فرمودند: منظور از «صلات وسطی»، نماز ظهر است. و بین روایات ائمه (ع)، در تفسیر این آیه، اختلافی دیده نمی‌شود (همان، ۲ / ۳۹۰. ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲، ۳ / ۲۷۱. صدوق، ۱۴۰۴، ۱، ح ۶۰۰. عیاشی، ۱۳۸۰، ۱ / ۱۲۷).

استاد مدرسی می‌آورد: گویا «صلات وسطی»، نماز ظهر است که انسان، در این وقت، غرق در امور دنیا است، و مواظبت بر نماز در این زمان، سبب ایمنی و مقاومت در برابر تأثیرپذیری از امور منفی دنیا می‌شود. دیگر اینکه پاسداری و محافظت از نمازها، اختصاص به ایام صلح ندارد، بلکه در جنگ نیز چنین است و باید به اقامه نماز اهتمام داشت، چراکه به ما روح تازه‌ای می‌بخشد و ما را در جنگ و پیروزی در آن مدد می‌رساند (مدرسی، پیشین، ۱ / ۳۹۱. مکارم شیرازی، پیشین، ۲ / ۲۰۹).

در روایت آمده است: وقتی انسان به وقت نماز اهمیت می‌دهد، نماز انسان را دعا می‌کند و می‌گوید: همان‌گونه که مرا حفظ کردی، خدا هم شما را حفظ کند (صدوق، ۱۴۰۴، ۱ / ۲۰۹). این عبارت نشان می‌دهد که یکی از مصادیق حفظ نماز، توجه به اوقات آن است.

«بنده خدا، چون نماز را در اول وقت بخواند و بدان مواظبت داشته باشد آن نماز سفید و پاکیزه بالا می‌رود و می‌گوید: مرا حفظ کردی، خدا تو را حفظ کند و چون در وقت آن نخواند و بدان مواظبت نداشته باشد، سیاه و تاریک باز می‌گردد و می‌گوید: مرا ضایع کردی، خدا هم تو را ضایع کند» (مجلسی، پیشین، ۸ / ۸۰).

از این روایت دانسته می‌شود: که کارهای انسان در عالم برزخ و قیامت، در برابر او مجسم می‌شوند. هر کار نیک و نماز اول وقت، در قالب نیکو و هر کار زشتی، در قالب زشت و قبیح عینیت می‌یابند.

طبرسی در تفسیر آیه ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ﴾ می‌نویسد: یعنی با تمام ارکان بر نمازهای واجب در وقت مخصوص خودشان مداومت و استمرار داشته باشید. سپس به «نماز وسطی» به خاطر اهمیت و عظمت آن، اشاره شد (طبرسی، پیشین، ۲/۵۹۹). امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمود: «محافظة بر نماز یعنی روی آوردن به نماز و مراقب وقت آن بودن، به گونه‌ای که هیچ چیزی او را از نماز باز ندارد و هیچ چیزی او را مشغول نکند» (قمی، پیشین، ۱/۷۹۴. ر.ک: فیض کاشانی، پیشین، ۱/۴۲۰؛ عیاشی، پیشین، ۱/۲۱۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴/۸۰).

در تفسیر قمی ذیل آیه

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (مؤمنون/۹)

«آن‌ها که بر نمازهای‌شان مواظبت می‌نمایند»

آمده است: «اینان کسانی هستند که اوقات نماز و حدودش را حفظ می‌کنند» (همان، ۲/۹۹. ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵/۱۹. فیض کاشانی، پیشین، ۵/۱۷۲). مرحوم مجلسی در ذیل آیه ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (معارف/۳۴). «و آنان که نمازهای خود را (در وقت و حضور قلب) محافظت می‌نمایند». به نقل از امام محمد باقر (ع) آورده‌اند که: این آیه بر استحباب ادای فریضه‌ها و نافله‌ها در اوائل اوقات آن‌ها دلالت دارد (مجلسی، پیشین، ۸۰/۳).

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ﴾ (مریم/۵۹)

«آنگاه از پی ایشان جانشینان ناشایسته‌ای آمدند که نماز را فرو گذاشتند و در آن سهل‌انگاری نمودند و آرزوهای دل را پیروی کردند».

"خَلَفَ" (بر وزن قُلَس) وصف است به معنی جانشین بد و آخر مانده بد. مثل ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ﴾ (اعراف/۱۶۹). «سپس بعد از آن‌ها جانشینانی (ناصالح) که کتاب (تورات) را به ارث بردند جایگزین آن‌ها شدند». ابن‌اثیر در «نهایه» می‌گوید:

«خَلْفَ» (به تحریک و یا سکون لام)، به معنای هر کسی است که پس از رفتن دیگری در آید. ولی به فتح اوّل و دوّم (خَلْفٌ) در جانشین خوب (فرزند صالح) و به فتح اوّل و سکون دوّم (خَلْفٌ) در جانشین بد (فرزند ناصالح) به کار می‌رود. گویند: خَلْفٌ صِدْقٌ و خَلْفٌ سُوءٌ «قرشی، پیشین، ۲/ ۲۸۵؛ راغب اصفهانی، پیشین، ۲۹۴؛ طبرسی، پیشین، ۱/ ۸۰۱؛ مکارم شیرازی، پیشین، ۱۳/ ۱۰۱».

طبرسی به نقل از ابن مسعود و ابراهیم و عمر بن عبد العزیز و الضحاک در تفسیر این آیه می‌نویسد: نماز را به واسطه تأخیر آن از اوقات معین‌اش، بدون اینکه آن را به طور کلی ترک گویند، تباه می‌سازند. که این معنا از امام صادق (ع) نیز روایت شده است (طبرسی، پیشین، ۱۶/ ۸۰۲).

علامه طباطبائی معتقد است: مراد از ضایع کردن نماز، یعنی آن را با سهل‌انگاری و بی‌توجهی، فاسد ساختن، به گونه‌ای که نماز را به یک بازیچه تبدیل نماید. تغییری در آن ایجاد کند و سرانجام پس از پذیرش و قبول آن، ترک گوید (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۴/ ۷۸).

رسول خدا (ص) فرمود: «هنگامی که نماز را در وقت‌اش بخوانی بالا می‌رود در حالی که نور درخشانی دارد و درهای آسمان برای او باز می‌شود تا اینکه به عرش می‌رسد، سپس شفاعت صاحب‌اش را می‌کند و می‌گوید: خداوند تو را حفظ کند همان‌طور که مرا حفظ کردی و هنگامی که در غیر وقت‌اش بخوانی به صورت تاریکی بالا می‌رود و درهای آسمان به روی او بسته می‌شود؛ سپس به صورت لباس کهنه‌ای پیچیده می‌شود و به صورت صاحب‌اش زده می‌شود و می‌گوید: خداوند تو را ضایع کند همان‌گونه که مرا ضایع کردی» (فرید شاکر، ۱۳۸۷، ۳۸۰).

و نیز فرمود: «شیطان همیشه از فرزندان آدم وحشت دارد و فاصله می‌گیرد تا زمانی که نمازهای پنجگانه را در وقت‌اش به جای می‌آورد، پس هرگاه آن‌ها را ضایع کرد بر وی جرأت پیدا می‌کند و او را به گناهان بزرگ وارد می‌کند (مجلسی، پیشین، ۱۱/ ۸۰، ر.ک: صدوق، ۱۴۰۰، ۲۹). بنابراین، نماز خواندن در وقت فضیلت، به معنای محافظت بر نماز و سبب عدم تسلط شیطان است و در مقابل خواندن نماز در غیر وقت فضیلت، به معنای

تباه‌سازی نماز و باعث تسلط شیطان است. پس یکی از معانی ضایع کردن نماز، عدم توجه به اوقات آن است.

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ﴾ (نور/۳۷)

«مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، باز نمی‌دارد».

در روایت آمده است که: «آنان تاجرانی هستند که تجارت و بیع، آنان را از یاد خداوند غافل نمی‌سازد، هنگامی که وقت (نماز) داخل می‌شود حق آن را ادا می‌کنند (مکارم شیرازی، پیشین، ۱۴/۴۸۶). محمد بن عباس از محمد بن فضیل روایت کرده است که از امام موسی بن جعفر (ع) از تفسیر «بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ» در آیه ﴿فِي يَوْمٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ﴾ (نور/۳۶) پرسیدم؟ فرمود: به معنای گزاردن نماز در وقت فضیلت است (راشدی، ۱۳۸۴، ۱/۲۲۳).

از امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) روایت شده است: اینان مردمانی هستند که به هنگام فرا رسیدن وقت نماز، تجارت و داد و ستد را وا می‌نهند و روشن است که پاداش آنان از کسی که داد و ستد می‌کنند، پرشکوه‌تر است (مجلسی، پیشین، ۸/۴؛ طبرسی، پیشین، ۷/۲۲۸).

و نیز روایت شده است که: «آنان بازرگانانی هستند هیچ تجارتی و معامله‌ای آن‌ها را از یاد خدا غافل نمی‌کند و چون اوقات نماز در رسد حق خدای تعالی را در آن ادا می‌کنند» (عروسی حویزی، پیشین، ۴/۴۵۴).

﴿فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾ (ص/۳۲)

«از شدت علاقه به تماشای اسبان، از نماز اول وقت باز ماند و خود را ملامت کرد) و گفت: من علاقه به اسبان را بر یاد خدا ترجیح دادم تا خورشید غروب کرد».

از دیگر آیاتی که می‌توان با استناد به روایات رسیده به نماز اول وقت انطباق داد آیه فوق است. که این آیه به قصه اسبان و نماز حضرت سلیمان اشاره دارد و می‌فرماید: من

آنقدر به اسب علاقه یافتیم، که وقتی اسبان را بر من عرضه کردند، نماز اول وقت از یادم رفت و آفتاب غروب کرد. البته باید دانست که علاقه سلیمان (ع) به اسبان برای خدا بوده، و علاقه به خدا او را علاقه‌مند به اسبان می‌کرد، چون می‌خواست آن‌ها را برای جهاد در راه خدا تربیت کند. لذا از ملائکه درخواست می‌کند که خورشید را برگردانید (رد الشمس) و سپس نمازش را در وقت فضیلت اقامه می‌کند. از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: سلیمان بن داود روزی بعد از ظهر از اسبان خود بازدید به عمل آورد و مشغول تماشای آن‌ها شد تا آفتاب غروب کرد. از این رو، به ملائکه گفت: آفتاب را برایم برگردانید تا نمازم را در وقت‌اش بخوانم. ملائکه چنین کردند. سلیمان و یاران همراه او برخاستند و ساق و گردن خود را مسح کرد و این وضوی نماز آنان بود. و سپس نماز خود را در وقت فضیلت خوانند و آفتاب دوباره غروب کرد و ستارگان درخشیدن گرفتند و این است معنای کلام خدای عز و جل که می‌فرماید: ﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نَحْمَ الْعِبَادُ إِنَّهُ أَوَّابٌ...﴾ (ص/۳۰) (همان، ۴/۴۵۵).

بعضی از مفسرین به نقل از امام علی (ع) نوشتند: رسیدگی به کار اسبان، سلیمان را از نماز عصر بازداشت تا وقت (فضیلت) نماز فوت شد. و در روایات اصحاب ما امامیه آمده است که فضیلت اول وقت از حضرت سلیمان (ع) فوت شد (طبرسی، پیشین، ۸/۴۷۵). در روایتی از ابن عباس، از امام علی (ع) درباره معنای این آیه می‌فرماید: داستان اینگونه است که حضرت سلیمان (ع)، روزی از اسبان خود سان می‌دید چون می‌خواست با دشمنان خود جهاد کند، اما آفتاب غروب کرد. به امر خدای تعالی، به ملائکه موکل بر آفتاب فرمود تا آن را برگردانند. ملائکه آفتاب را برگردانند و سلیمان نماز عصرش را در وقت‌اش به جای آورد (همان).

نماز اول وقت و مدیریت زمان

یکی از آثار مهم تربیتی نماز، آموزش مدیریت زمان به نمازگزار است. مدیریت زمان به عنوان سیستمی کارا و مؤثر برای کنترل و استفاده زمان تعریف می‌شود. در واقع اگر بدانیم برای انجام فعالیت‌های رسمی و غیر رسمی، اداری و غیر اداری، زمان محدودی در اختیار ما قرار می‌گیرد، بیش‌ترین تمرکز خود را بر چگونگی استفاده بهینه از زمان صرف

خواهیم نمود، تا هم، زمان مورد نظر، هدر نرود و هم بتوان برای نیل به اهداف، از آن بهره‌مند شد.

اصول چهارگانه مدیریت زمان

برای صرفه جویی در وقت، نیرو و انرژی خود، بهبود بازدهی و کاهش فشارهای روحی، قبل از انجام هر کار چهار سؤال (اصل) ذیل را از خود بپرسید: اصل یک: آیا لازم است این کار حتماً انجام شود؟ (آیا این فعالیت قابل حذف است؟)؛ اصل دو: آیا من ملزم به انجام دادن آن هستم؟ (آیا این فعالیت قابل تفویض است؟)؛ اصل سه: آیا می‌توانم این کار را به تعویق بیندازم؟ (آیا این فعالیت را می‌توان به فرصت دیگری موکول کرد؟)؛ اصل چهار: آیا این کار اولویت اول را در کارهای امروز من دارد؟

بنابراین، بر اساس علم مدیریت، هر فردی، برای تنظیم و ساماندهی امور روزانه خود در مواجهه اولیه با هر کاری، باید به سؤالات مذکور پاسخ داده و سپس اقدام نماید، از این رو، اگر هر مسلمانی، در مواجهه با صدای اذان و دعوت به اقامه نماز، بر اساس سؤالات مذکور عمل کند، اقامه نماز اول وقت را بر دیگر کارها ترجیح داده و برتر می‌شمارد؛ چراکه اولاً: نماز، کاری است که باید اقامه شود و ترک یا تأخیر آن، از فرصت زمانی‌اش جایز نیست و حتی اگر به هر دلیلی اقامه نشود قضای آن بر فرد مسلمان و حتی وارث او واجب می‌شود. ثانیاً: نماز، واجب عینی است، یعنی هر فردی باید خودش آن را مستقیماً اقامه کند و قابل واگذاری نیست. ثالثاً: بین پنج حکم شرعی «واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام» دارای اولویت اول است؛ و رابعاً: بر اساس آیات و روایات، نماز باید اولویت اول را در کارهای روزانه یک مسلمان داشته باشد و شایسته است آن را در اول وقت فضیلت به جای آورد، ولی چون بنای شریعت بر سهل‌گیری و آسان‌گیری است، نماز اول وقت را مستحب فرموده است.

شهید رجائی می‌گفت: «به نماز نگویید کار دارم، به کار بگویید وقت نماز است» (قرائتی، ۱۳۸۱: ۳۰). استاد قرائتی در جایی آورده است: ما در کارمان امثال شهید رجائی‌ها را لازم داریم. وقتی به او گفته شد برویم ناهار، فرمود: نذر کردم اگر نماز اول

وقت نخوانم، روزه بگیرم. یا امثال شهید نواب صفوی را که هر جا وقت اذان می‌شد، اذان می‌گفت (وحیدی، ۱۳۸۷، ۱۰۰).

شهید ثانی می‌فرماید: «هنگامی که وقت نماز داخل می‌شود، بدان که این میقاتی است که خدای تعالی برای تو قرار داده تا به خدمت‌اش برخاسته و برای خواهش از محضر او، آمادگی پیدا کنی. سپس شایسته است که هنگام رسیدن وقت نماز، شادی بر قلبات غلبه کند و بهجت در چهره‌ات هویدا گردد؛ زیرا همین وقت است که سبب نزدیکی تو به خدا و وسیله رستگاری‌ات می‌باشد. بنابراین همان‌گونه که برای ورود یک سلطان خود را آماده می‌کنی، باید خود را برای رسیدن وقت نماز، با طهارت و نظافت و پوشیدن لباس‌های شایسته، آماده کنی. به راستی اگر ما از رسیدن وقت نماز و مناجات با خدا، برای حضرت حق، تلقی یک رئیس یا صاحب منصب دنیایی را داشتیم، اینگونه سهل‌انگاری‌ها را که اکنون در خود مشاهده می‌کنیم، وجود نداشت و بهتر از این، نماز را به پا می‌داشتیم و به امور شرعی قیام می‌کردیم» (باقی زاده، ۱۳۸۲: ۷۹).

در ذیل به برخی از آثار «اقامه نماز»، در آموزش مدیریت نماز اشاره می‌گردد:

۱. نمازهای روزانه اوقات مشخصی دارند، پس باید سعی کنیم کارهای مان زمان مشخص داشته باشند.
۲. تأکید بسیاری بر نماز اول وقت شده است، پس اگر کاری باید انجام شود در اول وقت انجام دهیم. اگر یک هفته وقت داریم تا کاری را تحویل دهیم، انجام آن را به دقایق انتهایی موکول نکنیم.
۳. شمارش نمازهای واجبی که یک شخص بایستی در طول یکسال بجا آورد، برابر ۶۲۰۵ رکعت است، و بجا آوردن یکباره این تعداد رکعت، کار بسیار سختی است؛ بنابراین انجام آن به بازه‌های زمانی کوتاه‌تر، روزانه ۱۷ رکعت تقسیم شده است و حتی در یک روز، پنج نوبت نماز داریم، پس کارهای بزرگ، را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم کرده و آن را در طول زمان به اتمام برسانیم.
۴. اقامه نماز ضرب‌العجل مشخص دارد؛ مثلاً در نماز صبح، تا موقع طلوع آفتاب وقت داریم که آن را اقامه کنیم، پس در کارهای مان ضرب‌العجل داشته باشیم.

۵. ما به غیر از نمازهای واجب، نمازهای مستحب نیز داریم، به طوری که اولویت همواره با نمازهای واجب است. کارهای ما نیز به دو دسته ضروری و غیرضروری تقسیم می‌شوند، پس همواره اولویت را به کارهای ضروری بدهیم.
۶. در هنگام اقامه نماز به غیر از چند موقعیت خاص، امکان برهم زدن نماز وجود ندارد، پس سعی کنیم اگر کاری را انجام می‌دهیم بی هیچ وقفه‌ای و با تمرکز آن را به اتمام برسانیم.
۷. زمان اولین نماز در ساعات ابتدایی روز است، این نکته می‌رساند کار را صبح زود شروع کنیم، پس سحرخیز باش تا کامرا شوی.

نماز اول وقت و موفقیت

نماز، درس وقت شناسی را به بهترین وجهی به انسان می‌آموزد و به او می‌فهماند که هر کاری هرچند دارای وقت زیادی باشد، بهتر است که در اولین فرصت‌اش عملی شود. و اصولاً یکی از آثار اذان گفتن و سرودن این شعار اسلامی، اعلان وقت به غافل شدگان از زمان است. امام رضا(ع) می‌فرماید: «یکی از حکمت‌های اذان گفتن، این است که اذان برای کسی که وقت نماز را فراموش کرده یا غافل شده یادآوری می‌کند. هم‌چنین اذان، دعوت کننده مردم به عبادت خالق هستی است تا به نیایش خداوند، شوق پیدا کنند(صدوق، ۱۳۸۰، ۲/۲۱۵).

نظم و وقت شناسی، یکی از عوامل مهم موفقیت و پیروزی انسان به شمار می‌رود، هم‌چنین برنامه‌ریزی‌های شخصی و اجتماعی، بدون سنجیدن زمان و شناسایی اوقات مناسب آن ممکن نیست، چراکه هر کاری، اگر در زمان مناسب‌اش انجام بگیرد، با موفقیت روبه‌رو خواهد شد و اگر زودتر یا دیرتر از آن انجام شود، اثر و نتیجه واقعی را نخواهد داشت(راشدی، ۱۳۸۴، ۱/۱۱۸). از این رو، یکی از عادات زشت و ناروایی که مانع پیشرفت انسان است، تأخیر در کار است، تأخیر در عمل، انسان را از رسیدن به مقصد باز می‌دارد و اکثراً موجب عدم اجرای آن کار می‌گردد. در اصول تعلیم و تربیت نیز آمده است که: هر آموزشی باید در زمان مخصوص آن داده شود و هر تربیتی باید در

وقت ویژه‌اش عملی شود، زودتر یا دیرتر از زمان مخصوص آن یا نتیجه معکوس می‌دهد و یا زیانبار است، یا کم اثر و بی اثر است.

اسلام برای رسیدن انسان‌ها به رشد و تعالی و برخوردار شدن آنان از پیشرفت همیشگی مادی و معنوی، اهمیت زیادی برای مسأله وقت در عبادات قائل شده است تا با رعایت آن، تمرین وقت‌شناسی نموده، تا در همه امور، اولویت‌ها و نظم زمانی را مراعات کنند (همان: ۱۲۲-۱۲۰). بنابراین یکی از عوامل اصلی موفقیت بزرگان، توجه بسیار ایشان به نحوه استفاده از وقت بوده است، چراکه وقت به اندازه یکسان در اختیار همه گذاشته شده است، اما کسانی در زندگی موفق می‌شوند که به درستی آن را مدیریت نمایند. از این رو، تأکید بر اینکه نماز صبح را در وقت معین، هنگام فجر صادق (دمیدن سپیده صبح) به نماز بایستیم و نیز اوقات نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء معین بوده و تأخیر و تقدم نماز از این اوقات، موجب بطلان نماز است و اینکه فرد باید مراقب وقت باشد که نماز را در وقت فضیلت بگذارد، او را موقع‌شناس، تربیت می‌کند که در انجام همه کارها، در اولین فرصت ممکن بدان اقدام نماید.

نتیجه بحث

۱. در قرآن کریم، به اقامه نماز در اول وقت تأکید شده است، و این تأکید به خاطر نقش نماز اول وقت، در جهت فردسازی و جامعه‌پردازی است.
۲. برای درک آثار معنوی نماز، باید آن را با آداب و شرایطی که در شرع مقدس تعیین شده است به جای آورد، زیرا آن همه آثار تربیتی نماز، برای نماز با شرایط است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «اقامه نماز در اول وقت» است.
۳. نقش اقامه نماز در اول وقت، در تمرین نظم و مدیریت زمان بی بدیل است.
۴. زمان‌سنجی از آثار اقامه نماز در اول وقت است، و این اثر تربیتی در موفقیت انسان نقش مهمی را ایفا می‌کند.
۵. تأخیر نماز از وقت فضیلت، بدون عذر عقلایی، از مصادیق استخفاف نماز است و سبب محرومیت انسان از شفاعت اهل بیت (ع) می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

- پاینده، ابو القاسم. ۱۳۸۲، **نهج الفصاحه**، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
- جاجرمی، ابوالحسن بن محمد کاظم. ۱۳۸۱، **ینابیع الحکمه**، قم: انتشارات سرور.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶، **شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی**، قم: نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعه**، چاپ اول، قم: آل البيت(ع).
- خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۰، **شرح چهل حدیث**، چاپ ۲۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق صفوان عدنان داودی، چاپ اول، دمشق، بیروت: دار العلم - الدار الشامیه.
- راشدی، حسن. ۱۳۸۴، **نماز شناسی**، جلد اول، چاپ نهم، تهران: ستاد اقامه نماز.
- سید بن طاووس. ۱۳۶۱، **فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم و اللیله**، تحقیق غلامحسین مجیدی، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۴، **المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طوسی، محمد بن حسن. بی تا، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق و مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و احمد قزیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. ۱۴۱۵ق، **تفسیر نور الثقلین**، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- عیاشی، ابو نضر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش. ۱۳۸۰، **کتاب التفسیر**، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
- فیض کاشانی، ملا محسن. ۱۴۱۵ق، **تفسیر الصافی**، تحقیق حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر.
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۱، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم. ۱۳۶۷، **تفسیر قمی**، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم: دار الکتب.
- قزائنی، محسن. ۱۳۸۱، **صد و چهارده نکته از قرآن و حدیث**، تهران: ستاد اقامه نماز.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴، **تفسیر نمونه**، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۳، **گفتارهای معنوی**، چاپ چهاردهم، قم: انتشارات صدرا.